



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۳ - ۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۶
سال بیست‌وششم - شماره ۷۱۶۶ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۵۰۰۰ تومان



موشک‌هایی

با فناوری و فرمان ایرانی



محمد جواد اخوان

مدیر مسئول

۵۰ سال پیش و زمانی که درآمد سرشار نفتی و مأموریت ابلاغی ژاندارمی منطقه از سوی امریکا، محمدرضا پهلوی را وسوسه می‌کرد تا به‌روزترین سلاح‌های آمریکایی را با قیمت گزاف بخرد، امریکایی‌ها درهای صنایع نظامی خود را به روی شاه باز کردند و تنها استثنا را «سلاح‌آزمی» اعلام کردند. یکی دو سال بعد اما معلوم شد که این استثنا دومی هم دارد. رقابت تسلیحاتی همسایگان شرقی ایران، یعنی هند و پاکستان به‌تدریج به سمت گزینه «موشک» سوق پیدا کرد و این سلاح ته‌آجمی کمترشناخته‌شده در آن زمان توجه شاه را به خود جلب کرد.

شاه که فکر می‌کرد با دلارهای نفتی از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را می‌تواند بخرد، در خواست خرید موشک‌های بالستیک را به امریکایی‌ها داد و البته «نه» نشنید. اما در عمل خرید این سلاح‌ها ممکن نشد. گویی امریکایی‌ها بدون آنکه تصریح کنند، تمایل به تجهیز ژاندارم خود به این سلاح ته‌آجمی و

راه‌بری نداشتند. شاه البته ناامید نشد و سراغ متحد منطقه‌ای امریکا یعنی رژیم اشغالگر قدس رفت. صهیونیست‌ها پیشنهاد شاه را پذیرفتند و طرح مونتاژ موشک‌های اسرائیلی نسل اول در ایران با اسم رمز پروژه «شکوفه» را روی میز گذاشتند. مبلغ درخواست صهیونیست‌ها، یک میلیارد دلار (معادل تقریبی قدرت خرید ۲ میلیارد دلار امروز) بود که در ازای تنها تفت ایران تأمین می‌شد. مهندسان اسرائیلی راهی ایران شدند و احداث چند سایت در استان کرمان برای پیشبرد پروژه مونتاژ موشک آغاز شد. این آغاز البته به‌انجام نرسید و در بحبوحه انقلاب‌سلامی، اسرائیلی‌ها که پول خود را تمام و کمال دریافت کرده بودند، فرار کرده و حتی نقشه‌های پروژه را هم با خود بردن تا چیزی دست مردم ایران نماند.

جالب اینجاست که بعدها رونی برگمن، خبرنگار صهیونیست متصل به سازمان‌های اطلاعاتی رژیم اشغالگر قدس، در کتاب معروف خود به نام «بگرد مخفی علیه ایران» را: ناگفته‌ای را از این همکاری نظامی برملا کرد که کلاهبرداری بزرگ اسرائیل در این قرارداد بود. اسرائیلی‌ها با زنگی توانسته بودند موشک‌های نسل اول خود را که از ده خارج و نیازمند نوسازی بود، به رژیم پهلوی قالب کنند و به این ترتیب هم بودجه نوسازی زرادخانه موشکی خود را از نفت ملت ایران پیدا کردند و هم در نهایت بی آنکه چیزی به ایرانی‌ها تحویل دهند، پول را گرفته بودند.

انقلاب اسلامی پیروز شد و در اوج جنگ تحمیلی، از مهم‌ترین کاستی‌های جنگ‌افزایی کشور، موشک بود که امکان تهیه آن به‌سادگی میسر نبود و همین ضعف، نوعی نابرابری در جنگ شهرها ایجاد کرد. خلف‌وعده‌هایی که حتی برخی معدود فروشندگان سلاح به ایران کردند، کم‌کم این فکر را در اذهان ایجاد کرد که راه‌حلی جز ساخت موشک وطنی وجود ندارد. اینجا بود که مجاهدت‌های شهید حسن طهرانی‌مقدم و یارانش، ایران را از کشوری که برای خرید موشک مستأصل بود، به کشوری صاحب عنوان در میان قدرت‌های موشکی تبدیل کرد.

موشکی که شاه برای خرید آن به امریکایی‌ها رو انداخت و جواب نگرفت، نهایتاً بری معادل ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر و قدرت حداقلی داشت. اما امروز ایران اسلامی به برکت مجاهدت فرزندانش به موشک ماهوارمیر دست یافته که غربی‌ها بهتر از هر کسی می‌دانند چیست و توانایی تولید آن چه معنایی دارد.

عملیات موسوم به «شهید سلیمانی» و حمله به عین‌الاسد در سال ۱۳۹۸ و دو عملیات وعده صادق در سال ۱۴۰۳ قدرت موشکی ایران را برای غربی‌ها به‌ویژه امریکا و رژیم صهیونیستی، دقیقاً معنا کرد. قدرتی نه هم «فناوری» و هم «فرمان» که متعلق به ایران است. هم می‌دانیم چگونه ساخته می‌شود و هم اجازه شلیک منحصراً در اختیار خودمان است.

شاید برخی کشورهای ثروتمند هم مانند شاه به خیال خودشان از این موشک‌ها خریده باشند، اما نه فناوری آن را در اختیار دارند و نه حتی اختیار استفاده از آن را. تجربه یک سال گذشته نشان داد بسیاری از سامانه‌های اطلاعاتی و عملیاتی که به‌قیمت گزاف به کشورهای منطقه فروخته شده، در کنترل عملیاتی ارتش امریکا است و این فرمانده سنتنکام است که تعیین می‌کند کجا باید استفاده شود. در واقع این نوعی برون‌سپاری تأمین منافع امریکا با دلارهای نفتی کشورهای غربی است.

اقتدار موشکی ایران که مورد غیبه و حسادت بسیاری در جهان است، یادگار مردی است که امروز سالروز شهادت اوست. رضوان خدا بر شهید حاج حسن طهرانی‌مقدم که دست ملت ایران را پر کرد و ماحصل مجاهدت‌های او موشکی است که فناوری و فرمان آن در پد ایرانی است.

ایست جمعیت

در ۱۴۲۰

اولین رویداد ملی «نفس» از سوی بسیج جامعه یزشکی و با حضور کودکانی که بنا بود سقط شوند، اما با مشاوره‌های مراکز نفس حالا به دنیا آمده بودند تا امید ببخشند، دیروز بر گزار شد

علیرضا رئیسی، معاون وزیر بهداشت: ۲۰ سال دیگر تولد و مرگ در کشور سر به سر می‌شود. بعد از آن میزان مرگ نسبت به تولد پیشی می‌گیرد. سال ۱۴۸۰ جمعیت ایران به ۴۰ میلیون نفر می‌رسد



● رهراچندری | خبرنگار گروه اجتماعی | محمد مهدی صافی | جوان | صفحه ۲

گزارش میدانی «جوان» از ادامه اعتراض ون تاکسی‌داران به وعده‌های محقق نشده

چشم بسته مسئولان روی ون تاکسی‌های خاموش!

● مهساگریندی | خبرنگار گروه اجتماعی

گوش مسئولان وزارت کشور برسانند، یکی از رانندگان حاضر در خود قرار می‌گیرند و حرف‌ها و درددل آنها را می‌شنوند، حالا خودشان داستان هزار و یک شب دارند و می‌خواهند آن را به گوش بنویس! اینکه خسته شدیم و جانمان به لبمان رسیده، اینکه دیگر تحمل نشدین وعده‌های دروغ مسئولان را نداریم، ما فقط حق کشور تجمع کردند. این رانندگان نه فقط از تهران، بلکه از شهرهای مختلفی چون همدان، اسلامشهر و ملایر آمدند تا مطالباتشان را به

گوش مسئولان وزارت کشور برسانند، یکی از رانندگان حاضر در خود قرار می‌گیرند و حرف‌ها و درددل آنها را می‌شنوند، حالا خودشان داستان هزار و یک شب دارند و می‌خواهند آن را به گوش بنویس! اینکه خسته شدیم و جانمان به لبمان رسیده، اینکه دیگر تحمل نشدین وعده‌های دروغ مسئولان را نداریم، ما فقط حق کشور تجمع کردند. این رانندگان نه فقط از تهران، بلکه از شهرهای مختلفی چون همدان، اسلامشهر و ملایر آمدند تا مطالباتشان را به



(مقام معظم رهبری)
آمریکا و رژیم صهیونیستی پاسخ دندان شکنی دریافت خواهند کرد.



مقام ارشد نظامی عربستان در ایران

■ ارتشبد «فیاض بن حامد الرویلی» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عربستان در سفر به تهران با همتای خود، سر لشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح دیدار کرد

زمزمه «توقف یکجانبه» جنگ شمال در تل آویو

■ ۴۰ روز بعد از شروع عملیات اسرائیلی‌ها در لبنان، آنها احتمالاً قصد دارند طی روزهای آینده، عملیات زمینی در جنوب لبنان را به طور یکجانبه متوقف کنند، بدون اینکه با حزب‌الله به توافق برسند و حزب‌الله موشک‌باران شمال را متوقف کند. برخی منابع اسرائیلی از پیشرفت تلاش‌ها برای دستیابی به توافق آتش‌بس در لبنان صحبت می‌کنند



یادداشت سردبیر

چرا حس می‌کنیم

همه چیز گل و بلبل است؟!

● غلامرضا صافقیان | سردبیر

یک پرسش پر تکرار این روزها هم در محافل سیاسی و علمی و هم در میان مردم عادی این است که چرا حس می‌کنیم همه چیز خوب و درست و گل‌وبللی است، و مثل گذشته دیگر از وضع دلار و سکه و گرانی و تحریم و آلودگی هوا یا بحث روابط خارجی و امنیت و سیاست داخلی و مسائل اجتماعی کمتر می‌شنویم، با آنکه وضع به‌قدر کافی آن‌طور هست که بیشتر درباره آن بحث کنیم؟! پاسخ کوتاه من این است که چون آنها که درباره این همه سخن می‌گفتند و تحلیل می‌کردند، اکنون پست و منصب گرفته‌اند، همین! و به‌همین‌راحتی!

از باب مثال وقتی مدیرمسئول روزنامه اعتماد می‌شود رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، تیر روزنامه‌اش در چنین روزهایی به فرمان رمان‌های عشقی عامه‌پسند نزدیک است: «آسمان ای‌تی می‌شود!» همین تیر که واکنشی است به ممنوعیت مازوت‌سوزی (و البته پنهان‌نگه‌داشتن خبر قطع منظم برق در زمستان)، اگر دولت‌های غیرمسمو سر کار بودند، با عباراتی که مخاطب را زهره‌ترک می‌کرد، انتخاب می‌شد. مثلاً «زمستان سیاه و تاریک با طرفداران وضع موجود!» یعنی از رخدادی مشخص، در یک مقطع که خودمان خارج از قدر تیم، روی سیاه آن را که زمستان سرد و تاریک باشد، می‌بینیم و در مقطع دیگر که خودمان منصب داریم، آسمان ای‌تلر بار!

با ستون‌نویس ثابت همین روزنامه اعتماد و روزنامه هم‌میهن را ببینید! الان کجاست؟! و مشغول کدام تبیین و تحلیل؟! خیلی تسم و مهرپانانه و «با تقدیم عشق» درباره نازاری‌ها می‌نویسد و از اینکه دولت چهاردهم این حقیقت را که ناترازی‌ها تقصیر قبلی‌هاست فریاد نمی‌زند، تشکر می‌کند و نهایت استدلالش این است که «حالا شده!» یعنی الان که دولت پذیرفته است ناترازی وجود دارد، خودش یک گام بزرگ و اساسی به سوی هدف است! همین قدر ملوس و شل‌وبی‌جان و با تقدیم احترامات فائقه!

فقط هم بحث به مسائل اقتصادی و سیاست داخلی مربوط نمی‌شود. پوتین همیشه یک عنصر مطرود در رسانه‌های منتقد حکومت بود، به‌ویژه روزنامه سازندگی که هر دو هفته یک‌بار عکس تمام‌قد پوتین را به اصطلاح فول‌پنج کار می‌کند و از بلاها و توطئه‌ها و خیانت‌های روس‌ها و پوتین به ایران می‌گوید، حالا دیدار پوتین با پزشکشان برایش مهم و سر‌نوشت‌ساز می‌شود و با تیتربهای مثبت و راهبردی به استقبال آن می‌رود و دیدار نخست‌وزیر روسیه با پزشکشان در تهران را «دیدار استراتژیک» تیر می‌کند. روزنامه شرق روسیه‌ستیز و چین‌ستیز قهار نیز حالا دیدار پوتین با پزشکشان را مهم و راهبردی توصیف می‌کند! روزنامه سازندگی در دولت سیزدهم مسئله برجام را به قطعی‌گاز در زمستان مربوط می‌دانست و با تیر «در انتظار زمستان» و عکسی از رئیس‌جمهور سیزدهم که در برف پوشیده شده است، رویکرد خاص خود را نشان می‌داد. به آسانی می‌توان منتظر ماند تا احتمالاً قطعی‌گاز در دولت چهاردهم را با عکس زیبایی از برف و یخبندان تهران در این روزنامه ببینیم با تیر «زیبایی زندگی در سرمای اسکندریانوی با شفق‌های قطبی»!

گرایش این نوشته به طنز، عمدی نیست. ماجرا خود به‌قدر کافی خنده‌دار است. شاید اگر برخی می‌دانستند مملکت با این دلار و سکه و برق و گاز و مسائل پیچیده خارجی، در فصل پاییز اینچنین بهار دلکش و گلشن و رنگارنگ توصیف می‌شود، زودتر زمینه حضور منتقدان را در مناصب دولتی فراهم می‌کردند! و اگر نظری به‌پردازان ارتباطات که شش‌دهه قبل معتقد بودند حضور طولانی مقابل رسانه‌ها به «کاشت» باورهای مبالغه‌آمیز درباره میزان خشونت در جامعه می‌انجامد و احساس ناامنی، قربانی‌شدن و بی‌اعتمادی میان فردی را دامن می‌زند، اکنون با شرایط جدید ما روبه‌رو می‌شدند، نظریه «برداشت» را خلق می‌کردند که مطابق آن حضور و مهاجرت ناآگاهانی منتقدان بی‌رحم از رسانه منتقد دولت به شورای رسانه‌های دولت، منجر به «برداشت» سهم رسانه از قدرت و تغییر باورها درباره جامعه و احساس امنیت و قربانی‌نبودن «به اعتماد» به دولت می‌شود! یک‌دست‌شدن رسانه‌های منتقد دولت، بسیاری خطرناک‌تر از یک‌دست‌شدن قوای سه‌گانه و خلص‌سازی است. خود دانید!